

حکمرانی حزب عدالت و توسعه و آینده شکاف‌های اجتماعی در ترکیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵

علی اشرف نظری*

برهان سلیمی**

چکیده

با توجه به تحولات اخیر ترکیه، این سؤال مطرح است که از سرگیری درگیری‌ها بین دولت این کشور و حزب کارگزاران کردستان و کودتای نافرجام تیرماه ۱۳۹۵ علیه اردوغان، چگونه بر شکاف‌های درونی ترکیه و آینده سیاسی آن تأثیر خواهد گذاشت؟ بر اساس فرضیه این مقاله، رویکرد اقتدارگرایانه و ایدئولوژیک (ناسیونالیستی - اسلامیستی) حزب عدالت و توسعه، به ویژه رهبری آن یعنی اردوغان، و عدم تمایل آن به حل و فصل مسائل ناشی از شکاف‌های علوی - سنی و کردی - ترکی، باعث تراکم بیشتر شکاف‌های داخلی ترکیه و گسترش بحران سیاسی این کشور خواهد شد.

واژگان کلیدی: شکاف‌های اجتماعی، دموکراسی، علوی‌ها، مسئله کردها، حزب عدالت و توسعه.

aashraf@ut.ac.ir

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

عملیات انتحاری ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ داعش در شهر سوروج (واقع در جنوب شرق ترکیه) که اکثر ساکنان آن کرد هستند، ۳۳ کشته و صد زخمی به جا گذاشت. این عملیات انتحاری، تجمع فعالان جوان طرفدار بازسازی کوبانی (از شهرهای کردنشین سوریه) را هدف قرار داد و منجر به متهم ساختن دولت ترکیه به همدستی با داعش در عملیات فوق، از سوی حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) شد. با کشته شدن یک عضو ارتش ترکیه و بیش از پنج عضو نهادهای امنیتی در هفته بعد از این حادثه، منازعه پ.ک.ک و دولت ترکیه وارد مرحله جدیدی شد. شدت درگیری‌ها از این مقطع تا به امروز، بی سابقه بوده است. بنا به گزارش گروه بین‌المللی بحران، از ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ تا ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۶، در جریان درگیری‌های پ.ک.ک و دولت ترکیه، ۳۰۷ شهروند مدنی، ۵۸۲ عضو نهادهای امنیتی، ۶۵۳ عضو حزب کارگران کردستان و ۲۱۹ جوان با وابستگی نامعلوم کشته شده‌اند (Berkay, 2016). از سوی دیگر، بعد از کودتای نافرجام تیرماه ۱۳۹۵ علیه اردوغان، جدا از طرفداران جنبش گولن، نهادهای مدنی، نشریات و فعالین سیاسی کرد در معرض فشار گسترده‌ای قرار گرفته‌اند.

وزارت آموزش و پرورش ترکیه اخیراً ۱۱۲۸۵ معلم در مناطق کردنشین را به اتهام فعالیت‌هایی در حمایت از پ.ک.ک، از کار تعلیق کرده است (Rudaw, 2016). در مجموع، تحولات اخیر نارضایتی بیش از پیش کردهای ترکیه را به دنبال داشته و شکاف کردی-ترکی را تشدید کرده است.

علوی‌ها نیز به مثابه اقلیتی مذهبی در ترکیه، همواره از سوی اکثریت سنی با عناوین منفی همچون رافضی، بدعت‌گذار و مرتد توصیف شده‌اند و موجودیت متمایز مذهبی آن‌ها به رسمیت شناخته نشده است. پایان دادن به اقدامات تبعیض آمیز، تخصیص بودجه دولتی به روحانیون علوی، به رسمیت شناختن جم‌خانه‌ها، برداشتن کلاس‌های مذهبی یا وارد کردن اصول و عقاید مذهبی علوی در جزوه‌های درسی مدارس دولتی، ضرورت برخورد یکسان و برابر دولت با همه عقاید بر اساس اصول سکولاریسم از جمله مطالبات دهه‌های اخیر علوی‌ها در ترکیه بوده است (Subasi, 2010: 173). جدای از تبعیض و به حاشیه راندن علوی‌ها، نضج گرفتن اسلام‌گرایی سنی در داخل ترکیه و بازتولید قدرت از سوی حزبی اسلام‌گرا، یعنی

حزب عدالت و توسعه، با بحران سوریه در سال‌های اخیر، بیش از پیش منشاء نگرانی علویان در ترکیه امروز شده است.

پرسش اصلی این مقاله این است که این وضعیت چگونه بر شکاف‌های درونی ترکیه و آینده سیاسی آن تأثیر خواهد داشت؟ بر اساس فرضیه این مقاله، رویکرد اقتدارگرایانه و ایدئولوژیک (ناسیونالیستی-اسلامیستی) حزب عدالت و توسعه، به ویژه رهبری آن یعنی اردوغان و عدم تمایل آن به حل و فصل مسائل ناشی از شکاف‌های علوی-سنی و کردی-ترکی، باعث تراکم بیشتر شکاف‌های داخلی ترکیه و گسترش بحران سیاسی این کشور خواهد شد. در واقع، گرایش‌های سنی‌گرایانه حزب عدالت و توسعه در داخل و خارج، منجر به بدبینی بیش از پیش اقلیت علوی و گرایش ناسیونالیستی محافظه‌کارانه آن نیز رویکرد کمالیست‌های ترکیه را در قبال مسئله کردها بازتولید می‌کند. این نوع برخورد، متفاوت از رویکرد دموکراتیک به این‌گونه شکاف‌هاست که همان به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و پاسداشت حقوق ناشی از شناسایی آن‌هاست و در نتیجه، به احتمال زیاد باعث تراکم بیشتر شکاف‌های داخلی ترکیه در آینده خواهد شد.

الف. شکاف‌های اجتماعی؛ کارکردها و پیامدها

بحث شکاف‌های اجتماعی^۱ و پیامدهای آن بر حیات سیاسی جوامع مختلف، اعم از نظام‌های دموکراتیک یا اقتدارگرا، همواره یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی بوده است. لازارسفیلد^۲ (مکتب کلمبیا) و برلسون^۳ در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر رفتار سیاسی رأی‌دهندگان و حمایت حزبی را مورد بحث قرار دادند. بعدها رُکان و سیمور مارتین لیپست^۴ در سال ۱۹۶۷ بر تأثیر این شکاف‌ها بر سیاست و حکومت و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در ساختار رقابت حزبی تأکید کردند. بر اساس تبیین آن‌ها، هویت گروه‌های اجتماعی که القاکنده ارزش‌های گروه هستند، حامی برخی احزاب سیاسی خاص است (Andersen and Heath, 2003: 303). لیپست و رُکان در کتاب اصلی خود تحت عنوان «سیستم‌های حزبی و

1. Social Cleavage
2. Lazarsfeld
3. Berelson
4. Lipset and Rokkan

تعهدات رأی‌دهنده»^۱ به چهار شکاف اجتماعی که بر سیستم‌های حزبی مدرن در کشورهای غربی مسلط بوده است، اشاره کرده‌اند که شامل: ۱. شکاف مرکز- پیرامون (شکاف فرهنگ مرکز و ملت‌ساز با مقاومت‌های فزاینده گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی مختلف در مناطق حاشیه‌ای و پیرامون)؛ ۲. شکاف کلیسا و دولت؛ ۳. اقتصاد صنعتی و پیشاصنعتی (زمین- صنعت)، تضاد طبقاتی و منافع زمینداران با طبقه نوظهور بورژوازی؛ و ۴. کارگران در برابر کارفرمایان و سرمایه‌داران.

از دید آن‌ها، شکاف‌های فوق‌نشأت‌گرفته از دو انقلاب ملی و صنعتی بوده و نقش مهمی در شکل‌گیری سیستم حزبی مدرن اروپایی ایفا کرده‌اند (Choe, 2002: 6). همچنین، لیپست در کتاب «انسان سیاسی»^۲ و کمبل در کتاب «رأی‌دهنده آمریکایی»^۳، بر نقش شکاف‌های اجتماعی در مطالعات رأی‌دهندگان و رفتار سیاسی آن‌ها تأکید کرده‌اند (Manza et al, 2005: 204). مطالعات نظری و تجربی در خصوص شکاف‌های اجتماعی از این مقطع به بعد چنان گسترش یافت که به یکی از حوزه‌های مهم جامعه‌شناسی سیاسی تبدیل شد. جامعه‌شناسان سیاسی مختلف به تناسب جوامع، از شکاف‌های متعدد و دسته‌بندی‌های گوناگون آن‌ها بحث کرده‌اند. از نظر داگلاس ریسی و مایکل تیلور^۴، شکاف‌های اجتماعی به معیار تقسیم یا دسته‌بندی افراد به گروه‌ها یا اجتماعات مختلف جامعه تبدیل شده‌اند. برخی از این شکاف‌ها، باعث تقسیم افراد به گروه‌های مختلف که گاهی در زمان و مکان خاصی این تقسیمات می‌تواند از لحاظ سیاسی اهمیت عمده‌ای داشته باشد، شده است. از دید آن‌ها سه گونه شکاف وجود دارد:

۱. شکاف‌های انتسابی^۵، مانند نژاد و کاست؛
۲. شکاف‌های نگرشی یا عقیدتی^۶، مانند شکاف‌های ایدئولوژیک یا ترجیحات ارزشی؛

1. Party Systems and Voter Alignments (1967)
 2. Lipset Political Man
 3. Campbell et al. s The American Voter
 4. Douglas W. Rae and Michael Taylor
 5. ascriptive
 6. attitudinal or opinion

۳. شکاف‌های رفتاری یا عملی^۱، مانند رفتار رأی‌دهی یا عضویت سازمانی یا حزبی (Choe, 2002: 4).

اسکات فلاناجان^۲ شکاف‌ها را خطوط بالقوه تقسیم‌کننده در درون هر جامعه‌ای تعریف کرده است و سه شکل گوناگون این شکاف‌ها از نظر وی عبارتند از: ۱. شکاف‌های گروهی^۳ مبتنی تفاوت‌های نژادی، زبان، مذهب؛ ۲. شکاف‌های فرهنگی^۴ مانند شکاف سنی پیر- جوان، شهری- روستایی، سنتی- مدرن یا اقتدارگرایی و آزادی‌خواهی؛ ۳. شکاف‌های اقتصادی- کارکردی^۵ مانند شکاف‌های طبقاتی یا تفاوت‌های مبتنی بر نقش‌های اجتماعی یا شأن و منزلت (Choe, 2002: 4). برخی از این شکاف‌های اجتماعی، مانند شکاف‌های قومی- مذهبی، اگر از طریق مکانیسم‌های دموکراتیک حل و فصل نشوند، می‌توانند به چندپارگی اجتماعی و گاهی به منازعات خونینی منجر گردند. شکاف‌های فوق همواره در جوامع غربی، اعم از دموکراتیک یا اقتدارگرا و در جوامع جهان سومی سر بر آورده‌اند و منازعات وسیعی را به دنبال خود ایجاد کرده‌اند. نگاهی به منازعات باسک‌ها و کاتالونیا در اسپانیای معاصر، کبک‌ها در کانادا و ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی در بریتانیا، اهمیت شکاف‌های فوق و تبعات سیاسی و اجتماعی جدی آن‌ها را آشکار می‌سازد.

کشورهایی همچون استرالیا، بلژیک، کانادا و سوئیس به تدریج نهادهای سیاسی را متناسب با ساختار اجتماعی قومی- زبانی خود متحول کرده‌اند. برای مثال، بلژیک قبلاً سیستم سیاسی یکپارچه‌ای داشت، اما از طریق این سیستم، ملت متحد بلژیکی پیدایش نیافت. بنابراین، در نهادهای سیاسی این کشور تغییراتی ایجاد شد تا تفاوت‌های زبانی و قومی را به خوبی بازتاب دهد. بعد از جنگ جهانی دوم، عمدتاً نظام غیرمتمرکز فدرالیستی به مثابه راه حلی بالقوه برای مدیریت جوامع ناهمگون و حل مسئله حکومت‌های مرکزی ناکارآمد و غیردموکراتیک تبدیل شد (Erk, 2008: 2-3).

-
1. behavioral or cultural cleavages
 2. Scott C. Flanagan
 3. segmental cleavages
 4. cultural cleavages
 5. economic-function cleavages

مدل دموکراسی انجمنی^۱ برای پیش‌گیری از استبداد قومی اکثریت در جوامع ناهمگون، از سوی آرنست لیپهارت^۲ از صاحب‌نظران علوم سیاسی آمریکایی پیشنهاد شده است. دموکراسی انجمنی مبتنی بر اصول: ۱. حکومت ائتلافی فراگیر؛ ۲. تناسب‌گرایی در سیستم رأی و کاربردش در همه حوزه‌های عمومی؛ ۳. عدم تمرکز سیاسی-اداری (خودمختاری منطقه‌ای برای اجتماعات متمایز قومی-فرهنگی یا مذهبی) و ۴. حق و تو برای اجتماعات است. این چهار ویژگی در همه سیستم‌های انجمنی در جهان به ویژه در بلژیک، سوئیس، هلند و مالزی به چشم می‌خورد. به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و شکاف‌ها، اصل خودگردانی گروهی و تقسیم و تسهیم قدرت در سطح ملی، می‌تواند نقش مهمی در ثبات سیاسی درازمدت جوامع ناهمگون داشته باشد.

از منظر انجمن‌گرایان، مدل‌های اکثریت‌گرا به سلطه گروهی و سرکوب خواهد انجامید و زمینه‌ساز منازعات خشونت‌بار آینده خواهد شد. مدل اکثریت‌گرا و بازی با حاصل جمع صفر در سیاست، برای جوامعی که فرهنگ سیاسی همگونی دارند، می‌تواند راه‌گشا باشد، اما در جوامع متنوع، موجب خلق اکثریت‌های دائمی از نوع قومی، مذهبی و زمینه‌ساز به‌حاشیه‌راندگی و تبعیض علیه اقلیت‌ها خواهد شد. این مدل در جوامع متنوع موفق عمل نکرده است (مثلاً در نیجریه و قبرس). موفقیت این مدل از دید لیجفارت، به شرایط زیر بستگی دارد: ۱. نقش و ظرفیت سازگاری نخبگان سیاسی در معامله خواسته‌ها و منافع مختلف؛ ۲. توانایی فراتر رفتن از شکاف‌ها و همکاری و توافق بین نخبگان؛ ۳. تعهد نخبگان سیاسی به حفظ سیستم و بهبود انسجام و ثبات سیاسی؛ و ۴. همه اینها مستلزم این مسئله است که نخبگان سیاسی مخاطرات چندپاره‌گی و تجزیه سیاسی را درک کنند (Lijphart, 1969: 216).

در خاورمیانه، نحوه مواجهه با شکاف‌های اجتماعی، همیشه رویکرد سرکوب و انکار بوده و این عامل زنجیره پایان‌ناپذیر خشونت و منازعات پراکنده در این جوامع بوده است. سلطه بی‌چون و چرای نظام‌های اقتدارگرای قوم‌گرا و فرقه‌گرا و فقدان فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نخبگان سیاسی، زمینه را برای منازعات خونین گروهی در این منطقه، البته در صورت فراهم شدن فرصت‌های بروز و بیان نارضایتی‌ها، فراهم کرده است.

1. Consociational Democracy

2. Lijphart, A.

ب. تضعیف دموکراسی و تشدید شکاف‌های اجتماعی در ترکیه

بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ در ترکیه، تلاش‌هایی برای گسترش پروسه دموکراتیزاسیون در این کشور انجام گرفت. در کنار نیازها و فشارهای داخلی و تحولات جهانی، بحث پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نیز عامل مهمی در انجام اصلاحات بود. همچنین، حزب عدالت و توسعه از ابزار اصلاحات برای به حاشیه راندن رقبای داخلی کمالیست خود (ارتش، نهادهای قضایی و احزاب اپوزیسیون کمالیست) بهره‌برداری کرد و توانست ارتش و نظامیان را مطیع حکومت مدنی و انتخابی خود کند. اصلاحات داخلی این حزب، در سال‌های حکمرانی‌اش، تبعات مثبتی بر روند دموکراتیزاسیون در ترکیه گذاشته، اما به تدریج که این حزب به بازتولید قدرت پرداخته، گرایش‌های اقتدارگرایانه‌ای از خود بروز داده است؛ به طوری که گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد وضعیت شاخص‌های دموکراسی و حقوق بشر در دوره حکمرانی این حزب چندان قابل دفاع نیست و حتی در برخی شاخص‌ها روند پسرفت دیده می‌شود.

بر اساس گزارش خانه آزادی^۱ در سال ۲۰۱۴ در زمینه آزادی مطبوعات، ترکیه از کشوری نیمه‌آزاد به جرگه کشورهای غیرآزاد پیوسته است. این کشور رتبه ۱۳۴ را در میان ۱۹۷ کشور بررسی شده داراست؛ یعنی عقب‌تر از کشورهایی همچون نیجریه، لبنان، تونس، کنیا، لیبیا، اوگاندا، الجزایر و کویت. این در حالی است که در سال ۲۰۱۳ ترکیه در رتبه ۱۲۰ قرار گرفته بود (Eligur, 2014: 152). خانه آزادی در گزارش ۲۰۱۶ خود نیز وضعیت آزادی رسانه‌ها در ترکیه در سال ۲۰۱۵ را هشداردهنده دانسته و ابراز کرده که حکومت تحت کنترل اردوغان و حزب عدالت و توسعه، به شکل فزاینده‌ای از قوانین مدنی، قانون جزای افترا و قانون ضد تروریسم، در راستای مجازات‌کردن نویسندگان گزارش‌های انتقادی استفاده کرده است و روزنامه‌نگاران در طول سال ۲۰۱۵ با خشونت رو به رشد، تهدید و ارباب از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی مواجه بوده‌اند. این گزارش، انتخابات پارلمانی (ژوئن و نوامبر ۲۰۱۵)، بحران سوریه و از سرگیری منازعه با پ.ک.ک را در قطبی‌شدن سریع فضا و افزایش فشار بر رسانه‌ها مؤثر دانسته است. همچنین مقامات ترکیه، بنا به گفته این گزارش، از اهرم‌های اداری

و مالی علیه اصحاب رسانه، برای نفوذ بر پوشش‌های خبری و ساکت کردن صدای مخالفان، بهره برده‌اند.

این گزارش به دستگیری روزنامه‌نگاران روزنامه مشهور جمهوری به اتهامات مربوط به تروریسم، به دلیل انتشار گزارشی در خصوص ارسال سلاح به سوریه از سوی سرویس‌های امنیتی ترکیه و حمله گروهی از افراد به روزنامه حریت در سپتامبر ۲۰۱۵، به عنوان نمونه‌هایی در این مورد اشاره کرده است (Freedom of the Press "Turkey", 2016). گزارش‌گران بدون مرز^۱ نیز در ژانویه ۲۰۱۴ به زوال آزادی مطبوعات تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه پرداخته‌اند. بر اساس این گزارش، ترکیه از نظر آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در سال ۲۰۰۳ در رتبه ۱۱۶ قرار داشت، اما در سال ۲۰۱۴ به رتبه ۱۵۴ در میان ۱۷۹ کشور سقوط کرده است؛ یعنی عقب‌تر از کشورهایی مانند قطر، افغانستان و عراق. این گزارش اعلام کرده که ترکیه به بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران تبدیل شده است (Eligur, 2014: 152). همچنین، طبق ارزیابی اکونومیست^۲، ترکیه به عنوان رژیم دورگه تعریف شده که دارای رتبه ۸۸ در میان ۱۶۷ کشور دنیا است. رژیم‌های دورگه^۳، رژیم‌هایی هستند که برخی از مظاهر دموکراسی و انتخابات را حفظ کرده، اما در حقیقت اقتدارگرا هستند؛ چون فرصت‌ها و راه‌های محدودی برای کنارزدن حزب حاکم باقی گذاشته‌اند (Eligur, 2014: 152).

سازمان دیده بان حقوق بشر^۴ هم در گزارش جهانی سال ۲۰۱۴ اشاره کرده که حزب عدالت و توسعه عدم تساهل زیادی نسبت به اپوزیسیون سیاسی، اعتراضات عمومی و رسانه‌های منتقد از خود نشان داده و روش‌های غالب نخست‌وزیر اردوغان را هم به شکل فزاینده‌ای استبدادی توصیف کرده است. همین سازمان در گزارش جهانی سال ۲۰۱۲ خود اشاره کرده بود که بعد از پیروزی در سال ۲۰۱۱ (دوره سوم)، حکومت حزب عدالت و توسعه در راستای تقلیل حقوق و آزادی‌ها در ترکیه گام‌های زیادی برداشته است. همین گزارش افزوده که حکومت حزب عدالت و توسعه از طریق قانون، به محدود کردن آزادی بیان و

-
1. Reporters Without Borders
 2. Economist Intelligence unit s Index of democracy
 3. hybrid regime
 4. Human Rights Watch (HRW)

انجمن‌ها و تشکل‌ها پرداخته و به برخی از مقامات اجازه داده است که منتقدین را برای ماه‌ها و سال‌ها بازداشت کنند، در حالی که محاکمه آن‌ها به جرم و اتهام تروریسم و با تکیه بر شواهد واهی بوده است (Eligur, 2014: 152-153).

نت شنکان^۱ در گزارشی جدیدی تحت عنوان تهدیدهای درحال پیدایش در ترکیه، افشای پرونده‌های فساد، حوادث پارک گزی، شکست پروسه صلح با کردها و از سرگیری جنگ با پ.ک.ک را برای جامعه مدنی و آزادی بیان و مطبوعات در این کشور نگران‌کننده ارزیابی کرده و به روند محدودیت‌ها بر آزادی رسانه‌ها اشاره کرده است. در بخشی از این گزارش آمده است: «بعد از انتشار پرونده‌های مربوط به فساد اقتصادی از سوی محافل نزدیک به جنبش فتح الله گولن در دسامبر ۲۰۱۳، واکنش‌های تندی نسبت به آن از سوی مقامات دولت ترکیه صورت گرفت و در لیست‌های سازمان‌های تروریستی قرار داده شد. روزنامه بوگون و ایستگاه‌های تلویزیونی بوگون^۲ و کانال ترک تحت کنترل حکومت قرار گرفت. بالغ بر ۱۰۸ هزار سایت در ترکیه مسدود شده‌اند که شامل سایت‌های کردی و انتقادی و یا سایت‌هایی است که حکومت آن‌ها را نزدیک به جنبش گولن می‌داند که از جمله آن می‌توان به مجله نوکته^۳ اشاره کرد» (Schenkkan, 2016). همچنین، این گزارش به روند دستگیری‌ها در مناطق کردنشین، فشار بر فعالین سیاسی و کشته‌شدن صدها شهروند در اثر درگیری‌های بعد از ژوئیه ۲۰۱۵ بین ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه و پ.ک.ک اشاره کرده است.

بر اساس آمارهای حکومت ترکیه، کودتای تیرماه ۱۳۹۵ که از سوی بخش‌هایی از ارتش صورت گرفت، منجر به کشته‌شدن ۲۴۶ نفر، در اثر مقامات در برابر آن شد (۱۷۹ نفر از این کشته‌شدگان شهروندان عادی بودند). همچنین، حدود ۲۰۰۰ هزار نفر نیز زخمی شدند (Ward, 2016). بعد از این کودتا، حکومت ترکیه به برکناری بیش از ۴۰ هزار نفر از پست‌های‌شان اقدام کرده است. جدای از استعفای اجباری رؤسای دانشگاه‌ها، سیستم قضایی به طور خاص ضربه سختی متحمل شده است؛ ۲۱۶۷ قاضی و دادستان دستگیر و زندان شده‌اند و ۲۷۴۵ نفر دیگر نیز از پست‌های‌شان برکنار شده‌اند. حکم دستگیری ۹۰ روزنامه‌نگار

1. Nate Schenkkan
2. Bugün
3. magazine Nokta

بعد از ۲۵ ژوئیه صادر شد. همچنین بعد از ۲۷ ژوئیه، حکومت سه آژانس خبری، ۱۶ کانال تلویزیونی، ۲۳ ایستگاه رادیویی، ۴۵ روزنامه، ۱۵ مجله و ۲۹ شرکت توزیع را بسته است (Ward, 2016).

این روند باعث تضعیف دموکراسی در ترکیه و هم‌زمان، تشدید شکاف‌های داخلی در این کشور شده است؛ شکاف‌هایی که در صورت تداوم روند کنونی، می‌توانند برای آینده ترکیه پیامدهای منفی و خطرناکی به دنبال داشته باشند.

۱. تشدید شکاف کردی

مسئله کردها همواره یکی از مسائل اصلی تاریخ ترکیه مدرن بوده و نقش عمده‌ای در سیاست داخلی و سیاست خارجی این کشور ایفا کرده است. ریشه این مسئله نیز به فرآیند شکل‌گیری دولت-ملت مدرن با ایدئولوژی ناسیونالیسم قومی ترکی برمی‌گردد که منجر به انکار هویت‌های غیرترکی، به ویژه کردها و سرکوب هر گونه مطالبات آن‌ها در همان اوایل جمهوری تازه‌تأسیس ترکیه شد. عصمت اینونو^۱ از نزدیکان و جانشین مصطفی کمال مشهور به آتاتورک، موضع رسمی دولت ترکیه را در سال ۱۹۲۵ بدین گونه خلاصه کرد: «ما به صراحت می‌گوییم که ناسیونالیست هستیم و ناسیونالیسم تنها فاکتور همبستگی و انسجام ماست. در برابر اکثریت ترک، هیچ عنصر و گروه دیگر نفوذی ندارد، ما باید همه ساکنان سرزمین‌مان را به هر قیمتی ترکیه کنیم و ما باید آن کسانی را که مخالف ترک‌ها و ترکیسم هستند، نابود کنیم» (Barkey and fuller, 1998: 10). او در جای دیگری اظهار داشت: «تنها ملت ترک حق ادعای حقوق قومی و ملی را در این کشور دارد، هیچ عنصر یا موجودیت دیگری چنین حقی ندارد».

این دیدگاه از سوی وزیر دادگستری (عدالت) ترکیه محمود ایسات بوزهورت^۲ در سپتامبر ۱۹۳۰ بدین شکل بیان شده است: «ما در این کشور که ترکیه خوانده می‌شود، زندگی می‌کنیم؛ آزادترین کشور در جهان ... من معتقدم تنها ترک‌ها باید حاکم و حکمران این کشور باشند».

1. Ismet Inonu
2. Mahmut Esat Bozhurt

آنهایی که ترک خالص نیستند تنها یک حق در این کشور دارند، آن هم حق خدمتگزاری و بردگی» (Entessar, 1992: 81). در سال ۱۹۲۶ وزیر آموزش حکمی را ابلاغ کرد که بر اساس آن، نام‌ها و کلمه‌هایی همچون کرد، لاز، چرکس و غیره نباید مورد استفاده قرار گیرند، چرا که به وحدت ترکیه صدمه وارد می‌کنند (Cagaptay, 2006: 106). قانون اساسی ترکیه نیز در سال ۱۹۲۴، اصطلاحات شهروندی و شهروندان را معادل یا برابر با ترک و ترک‌بودن قلمداد کرد. این قانون، هر شهروند جمهوری ترکیه را یک ترک اعلام کرده است. در بند ۸۸ آن آمده است: «ساکنان ترکیه صرف نظر از مذهب و نژادشان، باید به مثابه ترک در نظر گرفته شوند» (Ozcan, 2006: 67).

تلاش‌هایی گسترده در راستای ترک معرفی کردن کردها و بازنویسی کتاب‌های تاریخ و معمول‌شدن عبارت «ترک کوهی» برای کردها در ادبیات رسمی در ترکیه صورت گرفت. این رویه انکار و سرکوب همچنان تا دهه‌ها ادامه داشت. برای نمونه، می‌توان به فرهنگ لغت ترکی انتشاریافته در سال ۱۹۷۱ اشاره کرد که در آن، کرد را مردمی ترک که زبان‌شان به نوعی فارسی شکسته تغییر یافته، معرفی کرده است (Ozcan, 2006: 68). این ناسیونالیسم افراطی و انکار هویت کردی، کردها را از همان آغاز در معرض فشار ادغام و همگون‌سازی اجباری قرار داد. این باعث نارضایتی و شورش‌های متعدد کردها شد و راه را برای چند دهه خشونت گشود. فشار جنبش کردی و افول ایدئولوژی کمالیسم از دهه ۱۹۹۰ و همچنین، بحث پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، به بازبینی تدریجی سیاست‌های افراطی دولت ترکیه نسبت به اقلیت کرد منجر شد، اما هم‌زمان با برخی عقب‌نشینی‌ها از رویکردهای سابق، روند سرکوب‌های دولتی نیز در این دهه هولناک بوده است. بر اساس گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در فوریه ۲۰۰۰، ترکیه در دهه ۱۹۹۰ بیش از ۵۶۰ هزار نفر را در مناطق کردنشین این کشور وادار به تخلیه خانه‌هایشان کرده است. برخی از سازمان‌های غیردولتی، شمار این افراد را حتی بیشتر از دو میلیون نفر برآورد کرده‌اند (Loizides, 2010: 520).

بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، به تدریج شاهد معتدل‌تر شدن رویکرد دولت ترکیه نسبت به مطالبات کردهای این کشور بودیم. این رویکرد معتدل باعث گشایش‌هایی در عرصه‌های مختلف نسبت به کردها شد. تلاش‌های قابل‌توجهی مانند پروسه

مذاکرات و آشتی میان بازیگران سیاسی کردی و حزب حاکم در آنکارا (مانند حادثه هابور در سال ۲۰۰۹، گفت‌وگوهای اوسلو و مذاکره با اوجالان از سال ۲۰۱۳) برای حل و فصل مسئله کردی صورت گرفت. البته، در همین دوره نیز سرکوب سیاسی کردها تداوم پیدا کرد که در این مورد می‌توان به فشار بر اپوزیسیون سیاسی کرد و انحلال حزب جامعه دموکراتیک^۱ به وسیله دادگاه قانون اساسی، دستگیری عده زیادی از طرفداران حزب صلح و دموکراسی^۲ بعد از سال ۲۰۰۹ به عنوان جزیی از عملیات‌های ضد «اتحادیه جوامع کردستان»^۳ که تشکیلی وابسته به پ.ک.ک است و محاکمه آن‌ها اشاره کرد. عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مختلفی در گسترش نقش‌آفرینی کردها و برجستگی مسئله کردی در ترکیه سهم داشته‌اند.

از جمله عوامل داخلی می‌توان به تداوم مبارزه جسورانه و فراگیر پ.ک.ک، پویایی و گسترش جنبش سیاسی - مدنی کردی در داخل ترکیه، افول کمالیسم و ظهور نیروهای سیاسی اسلام‌گرا مانند حزب عدالت و توسعه با گفتمانی نوعثمانیستی که تساهل بیشتری نسبت به تکثر اجتماعی دارد، اشاره کرد. از لحاظ منطقه‌ای نیز وجود اقلیم خودگردان کردستان عراق و اخیراً نیز خودمختاری کردهای سوریه با نقش‌آفرینی کلیدی پ.ک.ک، سهم عمده‌ای در فشارها بر دولت ترکیه و اعتماد به نفس نیروهای سیاسی کرد داشته است. عوامل بین‌المللی از قبیل جهان‌شمولی گفتمان دموکراسی و حقوق بشر، جهانی‌شدن و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و بهره‌گیری گسترده جنبش کردی از این ابزارها، فعالیت گسترده و مداوم دیاسپورای کردی در اروپا و سیاست‌های حمایتی غرب، به ویژه اتحادیه اروپا در بهبود وضعیت اقلیت‌ها در ترکیه نیز نباید نادیده گرفته شوند.

حزب عدالت و توسعه با گفتمان دموکراسی محافظه‌کار در نظر و گرایش‌های نوعثمانیستی در عمل که هم‌زمان حامل رگه‌هایی از ترک‌گرایی و اسلام‌گرایی سنی معتدل است، به واسطه ماهیت ایدئولوژیک نگاهش به مسئله کرد، پاسخی که به این مسئله داده است، همچنان متناقض، ابتدایی و توأم با چالش‌های خاص خود بوده است. لازم به ذکر است که بخش عمده‌ای از اسلام‌گرایان ترک، به مخالفت با تقلید جمهوری از مدل دولت - ملت غربی

1. DTP

2. BDP

3. Kurdistan Communities Union

می‌پردازند. از منظر آن‌ها، این مدل تضعیف‌کننده وحدت اسلامی (امت اسلامی) و برادری و مسبب خلق ناسیونالیسم کردی بوده است. نویسندگان اسلام‌گرای ترک، بر رسمی‌بودن زبان ترکی و تمامیت یکپارچه دولت ترکیه پافشاری می‌کنند، اما اسلام‌گرایان با ریشه کردی، خواهان به رسمیت شناختن آشکار هویت کردی و تبعات سیاسی آن، یعنی نوعی خودمختاری هستند. برای اسلام‌گرایان ترک، هویت اسلامی عمدتاً در راستای تعدیل ملی‌گرایی کردی به کار گرفته می‌شود. از طرف دیگر، از آن برای شالوده‌شکنی از ناسیونالیسم سکولار ترک، در راستای جایگزینی نوعی هویت مشترک اسلامی در چارچوب هویت سرزمینی ترکیه‌ای بهره گرفته می‌شود (Yavuz, 1998: 12-13).

نگاه رهبران حزب عدالت و توسعه نیز در چارچوب همین رویکرد امت‌محورانه و برادری اسلامی جریان‌های اسلام‌گرای پیشین ترک است. آن‌ها همیشه سعی می‌کنند بین کردها و ناسیونالیسم کردی و نیروهای سیاسی حامی آن تمایز ایجاد کنند. ملی‌گرایی کردی را نشأت گرفته از گفتمان مسلط و انکارگرای کمالیستی می‌دانند که با رخت بر بستن آن از صحنه سیاسی ترکیه، کردها در چارچوب هویت اسلامی و برادری، همچنان به دولت ترکیه وفادار هستند و مسئله‌ای نخواهند داشت. اردوغان و رهبران حزب عدالت و توسعه همیشه در کنار نقد کمالیسم، بر هویت مشترک اسلامی (سنی) کردها و ترک‌ها تأکید می‌کنند. در گفتار اردوغان، گاهی هویت ترکی و کردی جایگاهی یکسان در ترکیه دارد، اما گاهی نیز هویت ترکی به جایگاه همان رویکرد رسمی کمالیستی به مثابه هویتی فراقومی و ملی ارتقا می‌یابد و هر گونه بحث به رسمیت شناخته‌شدن زبان کردی، از دید او، به تجزیه ترکیه منجر خواهد شد. گزاره‌های مطرح‌شده در سخنرانی‌های اردوغان در پیوند با کردها، جدا از برخی عناصر دینی، حکایت از همان گزاره‌های ناسیونالیسم ترکی رسمی دارد.

برای نمونه، اردوغان در سخنرانی فوریه ۲۰۰۸ در شهر کردنشین حکاری ابراز داشت: «ما گفتیم یک ملت، یک پرچم، یک سرزمین مادری و یک دولت. آن‌هایی که مخالف این هستند، باید از این کشور بروند» (Bahcheli and Noel, 2011: 116). او همچنین در سخنرانی در مارس ۲۰۱۵ منکر مسئله کردها در ترکیه شد و ابراز داشت که «کردها تنها ملت در ترکیه نیستند، بلکه ۳۶ قومیت دیگر در ترکیه وجود دارد. ما همه زیر سقف جمهوری ترکیه جمع

شده‌ایم. ما چه می‌گوییم؟ ما می‌گوییم یک ملت، یک پرچم، یک سرزمین مادری (وطن). بعضی در پذیرفتن این مقاومت می‌کنند و مسئله کردی را از این موضوع خلق می‌کنند، برادران کردم نباید در این دام بیفتند» (Today's Zaman, March 23, 2015). این نگاه ایدئولوژیک به مسئله کردها که ریشه در ملغمه‌ای از ناسیونالیسم ترکی و اسلام‌گرایی سنی دارد، حاضر به پذیرش اقلیت متمایزی به نام کردها نبوده و عمدتاً با تکیه بر اشتراک مذهبی، سعی در پاک‌کردن صورت مسئله و پافشاری بر یکی‌بودن همه گروه‌های قومی ترکیه، زیر چتر هویت رسمی ترکی دارد.

این نگاه، مسئله کردها را، همان‌گونه که در گفتار اردوغان روشن است، اساساً مسئله نمی‌داند و این کاملاً با نگرش رهبران سیاسی کرد در خصوص ماهیت مسئله فاصله زیادی دارد. همچنین، با رویکرد دموکراتیک به این مسائل که در مباحث نظری مقاله بدان اشاره شد (به رسمیت شناختن حقوق جمعی اقلیت‌ها و تضمین قانونی آن)، تفاوت عمده‌ای دارد. از سوی دیگر، جدا از تبلیغات حزب عدالت و توسعه در خصوص فرآیند مذاکرات و صلح با کردها که همواره با ملاحظات انتخاباتی توأم بوده است، در عمل این حزب، اقدامات محدودی را در راستای تحقق حقوق فرهنگی و مطالبات احزاب سیاسی کرد انجام داده است. همین مسئله به تدریج ناخرسندی جریان‌های سیاسی کرد و بدبینی آن‌ها به روند مذاکرات را به دنبال داشته است. بیریا بایر^۱ به برخی از پیشرفت‌های مثبت در خصوص تأمین حقوق دموکراتیک و فرهنگی اقلیت کرد به شکل دوفاکتو اشاره و اذعان دارد، اما معتقد است حزب عدالت و توسعه در شناسایی دوزوره این حقوق و تضمین آن شکست خورده است.

در هیچ کدام از اسناد قانونی از واژه‌های کرد یا کردستان استفاده نشده است، این مسئله خود پرسش‌هایی را در خصوص امکان اجرایی شدن این اصلاحات در بوروکراسی اداری و قانونی ایجاد می‌کند؛ به عنوان نمونه، دادگاه که اجازه استفاده از زبان کردی داده بود، در پروسه دادگاه فعالین سیاسی «اتحادیه جوامع کردستان» اجازه صحبت کردن به زبان کردی به آن‌ها داده نشد (Gunes and Zeydanlioglu, 2014). او همچنین ضمن اشاره به رویکرد ایدئولوژیک و تناقض‌آمیز حزب عدالت و توسعه از لحاظ نظری و عملی نسبت به کردها و مسئله کردی،

1. Berya bayir

عنوان کرده است که گفتمان سیاسی این حزب، نشان از پروژه سیاسی محدودش در خصوص مسئله کردی دارد و پرسش‌هایی نیز در خصوص انگیزه‌های محرک چنین اقداماتی ایجاد می‌کند. یک نگاه کلی نشان می‌دهد که تعهد حزب عدالت و توسعه به دموکراسی، حقوق بشر یا دفاع از تکثر، تنها تبیین‌کننده این اصلاحات محدود نیست، بلکه این اصلاحات بخشی از فرآیند تعهدات ترکیه جهت عضویت در اتحادیه اروپا بوده و می‌باشند (Gunes and Zeydanlioglu, 2014).

در مجموع، به نظر می‌رسد رهیافت و فهم دولت ترکیه و کردها، به ویژه پ.ک.ک، نسبت به مسئله کردی، به طور بنیادینی متفاوت است (Yavuz, 2009: 189). برای ملی‌گرایان کرد، ریشه مسئله کردها، در بی‌عدالتی تاریخی و انکار حقوق سیاسی و فرهنگی آن‌ها در جمهوری ترکیه نهفته است که تا به امروز نیز به نوعی ادامه پیدا کرده است. آن‌ها راه حل مسئله را در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و فرهنگی و نوعی فدرالیسم در مناطق کردنشین می‌دانند؛ یعنی نگاهی متفاوت نسبت به نگاه دولت ترکیه. این تفاوت دیدگاه، در صورت‌بندی مسئله و مکانیسم حل و فصل آن، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی گسترده‌ای در خلال سال‌های مذاکرات صلح بین طرفین گردید. به همین دلیل بود که روند مذاکرات صلح، به‌راحتی و بر اثر وقوع حوادثی بعد از انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵، جای خود را به ادبیات انکار و اولویت برخورد نظامی و جنگ دوباره با پ.ک.ک و دستگیری برخی از فعالین سیاسی و مدنی در شهرهای کردنشین داد. این حوادث که همراه با ناخشنودی حزب عدالت و توسعه از نتایج انتخابات روی داد، به خوبی مورد بهره‌برداری ابزاری این حزب، به امید پیروزی در انتخابات نوامبر ۲۰۱۵ قرار گرفت.

تحولات فوق و نگاهی به مواضع طرفین در جریان درگیری‌های خونین یک سال اخیر، نشان از این دارد که حداقل در کوتاه‌مدت، احتمال حل و فصل مسئله به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز وجود ندارد. هر یک از طرفین زبانی تند علیه همدیگر به کار برده و فعالین سیاسی «حزب دموکراتیک خلق‌ها» هم در معرض فشار گسترده‌ای قرار گرفته‌اند. بعد از کودتای نافرجام نیز نه تنها اعضای جنبش گولن و نهادهای همسو با آن دستگیر و سرکوب شده‌اند، بلکه این مسئله دستاویزی برای دستگیری برخی از فعالین کردی و توقیف برخی از نشریات کردها شده

است. در این راستا، نشریه اوزگور گوندیم^۱ به اتهام تبلیغات برای پ.ک.ک و ارگان رسانه‌ای این سازمان، در ۱۶ آگوست ۲۰۱۶ توقیف و برخی از روزنامه نگاران آن، از جمله نجمه آلیپای^۲ به اتهام تروریسم در ۳۱ آگوست بازداشت شدند (hurriyetdailynews, 2016). مصونیت پارلمانی نمایندگان حزب دموکراتیک خلق‌ها نیز لغو و اخیراً برای برخی از آن‌ها احضاریه دادگاه صادر شده است. این فشارها همواره توأم با جنگ لفظی رهبران این حزب با مقامات ارشد دولت بوده است. فاکتورهای دیگر از جمله سیاست‌های خصمانه دولت ترکیه نسبت به کردهای سوریه که اخیراً در قالب عملیات «سپر فرات» دنبال می‌شود، نیز خشم کردهای ترکیه را به دنبال داشته است.

تحولات فوق و خشونت‌های یک سال اخیر در مناطق کردنشین ترکیه، شکاف کردی-ترکی را بیش از پیش تعمیق کرده و امکان مصالحه سیاسی و بازگشت بر سر میز مذاکره را به گزینه‌ای دشوار تبدیل ساخته است.

۲. فعال شدن شکاف سنی - علوی

مسئله علوی‌ها همواره یکی از شکاف‌های اجتماعی و تاریخی در ترکیه بوده است. جدا از بحث تبعیض که به فعال شدن این شکاف یاری رسانده، تقویت و گسترش اسلام‌گرایی سنی در جامعه و دولت نیز باعث گسترش علوی‌گرایی سیاسی شده است. در سال‌های اخیر، بحران سوریه نیز که توأم با اظهارات گزنده برخی از مقامات حزب عدالت و توسعه علیه علوی‌ها بوده است، این شکاف را تشدید کرده است. با پیروزی دوباره حزب عدالت و توسعه در انتخابات نوامبر ۲۰۱۵، نگرانی‌های علوی‌ها بیشتر و احتمال تشدید شکاف فوق در آینده بیش از پیش وجود دارد.

فرقه علوی که ریشه در اندیشه‌های حاج بکتاش (۱۲۷۱-۱۲۱۰) صوفی بزرگ آناتولی دارد، در امپراطوری عثمانی همواره مورد سرکوب و تبعیض قرار می‌گرفتند. اکثریت علوی‌ها از لحاظ قومی و زبانی ترک هستند، اما ۲۰ درصد آن‌ها نیز کرد هستند و به طور سستی در

1. Özgür Gündem
2. Necmiye Alpay

روستاهای ایالات آناتولی شرقی و مرکزی از جمله سیواس و چوروم^۱ و ایالات آناتولی شرقی - جنوبی مانند تونجلی، الازیگ و موش^۲ ساکنند (Azak, 2010: 139). البته اقلیت علوی عربی نیز در ترکیه وجود دارد که جمعیت آن‌ها نزدیک ۳۰۰ هزار نفر و عمدتاً در منطقه هاتای - اسکندرون ساکنند.

علوی‌ها در اوایل دهه ۱۹۲۰ از روند شکل‌گیری جمهوری سکولار ترکیه، به امید رهایی از زیر بار فشارهای همیشگی استقبال کردند و همواره از مدافعین سکولاریسم در ترکیه بوده‌اند، اما به تدریج روند تحولات در ترکیه نشان داد که در عمل، احزاب و گروه‌های سیاسی رگه‌هایی از سنی‌گرایی در تعامل با آن‌ها بروز می‌دهند و به رغم اذعان به سکولاریسم در قانون اساسی ترکیه، در عمل دولت همواره هویتی سنی داشته و این گرایش‌های سنی‌گرایانه، دوباره به‌حاشیه‌راندگی و طرد عمومی علوی‌ها را به دنبال داشته است. این مسئله بعد از دهه ۱۹۸۰ بیشتر خودش را نشان داد. با گسترش گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی و سیاست‌های جهت‌دار دولت (اجباری‌شدن تدریس مسائل دینی در مدارس با مصوبه ۱۹۸۲ که باعث تقویت اسلام سنی به عنوان بخشی از هویت رسمی مردم ترکیه شد)، نگرانی‌های علوی‌ها بیشتر شد. در دهه ۱۹۸۰ نیز اقدامات خشونت‌آمیزی علیه علویان انجام شد. بیانیه‌هایی که در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۴ از سوی فعالین مدنی علوی در ترکیه انتشار یافت، در کنار انتقاد از نهاد رسمی ریاست امور دینی که اسلام سنی را نمایندگی می‌کند، به تعریف سنی‌محورانه از هویت دولت و ملت ترکیه اعتراض می‌کند.

همچنین، از روند به‌حاشیه‌راندگی علویان و تبلیغات بر علیه آن‌ها یا احداث مسجد در مناطق علوی‌نشین، ابراز ناخرسندی و خواستار رعایت بی‌طرفی دولت نسبت به ادیان و مذاهب کشور، متناسب با اصل سکولاریسم در قانون اساسی شده‌اند. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ که گرایش‌های اسلام‌گرایانه سنی دارد، شرایط برای علوی‌ها دشوارتر شده است. علوی‌ها در سال‌های اخیر همواره در مورد رویکرد دولت و حزب عدالت و توسعه نسبت به خود معترض بوده‌اند. برای مثال، آن‌ها به دوره‌های مذهبی

1. Sivas, Çorum

2. Tunceli, Elazığ and Muş

اجباری در مدارس، که عمدتاً روی اسلام سنی متمرکز است، اعتراض داشته‌اند. برخی از آن‌ها نیز ادعا می‌کنند که در زمینه استخدام در نهادهای دولتی نسبت به آن‌ها تبعیض اعمال می‌شود. جامعه علوی همچنین، در یک دهه اخیر پی‌درپی نارضایتی خود را از نبود مکان‌های عبادت برای علوی‌ها، که آن را بیت المجمع یا بیت الاجتماع^۱ می‌نامند، ابراز داشته‌اند، اما مقامات حزب عدالت و توسعه مدام از پاسخ روشن و اقدامات عملی نسبت به تحقق برخی مطالبات مذهبی آنها طفره می‌روند. برای نمونه، در ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۲ سخنگوی پارلمان ترکیه مانند سایر مقامات ترکیه درباره بیت المجمع برای علوی‌ها اظهار داشت که «علویان زیرمجموعه و بخشی از اسلام هستند و جایی جز مسجد برای عبادت لازم ندارند. جای عبادت آن‌ها همان مکان‌های مربوط به اسلام و مسلمانان است». رجب طیب اردوغان نیز بارها گفته است که علوی‌ها مذهب نیستند و در اسلام، مسجد به عنوان تنها مکان برای عبادت در نظر گرفته شده است (Uras, 2014).

مشارکت فعال علوی‌ها در اعتراضات پارک گزی در ژوئن ۲۰۱۳ نشان از ناخرسندی آن‌ها نسبت به حزب حاکم دارد. بعد از اعتراضات پارک گزی^۲، تجمعات اعتراضی در مناطق علوی‌نشین در شهرهای ترکیه از جمله دیکمن^۳ در آنکارا و تا اندازه‌ای در آنتاکیا^۴ که شهری در مناطق جنوبی و مرکز اجتماع علوی ترکیه است، ادامه یافت. جوانان علوی با نیروهای پلیس درگیر و به زد و خورد با آن‌ها پرداختند. هر شش نفر کشته‌شده در اعتراضات فوق، متعلق به علویان و گروه‌های فعال آن‌ها بوده‌اند (Cagaptay, 2014).

در دوره حزب عدالت و توسعه، وضعیت اقلیت‌های مذهبی و قومی نسبت به گذشته بهبود یافت، اما این مسئله بیشتر در خصوص وضعیت غیرمسلمانان ترکیه صدق می‌کند. به عنوان نمونه، حکومت در سال‌های اخیر قسمتی از دارایی‌هایی را که در قرن بیستم متعلق به کلیساهای مسیحی بوده و مورد توقیف قرار گرفته بود، به آن‌ها برگردانده و از صاحبان دارایی‌ها حمایت کرده است، اما در مورد علوی‌ها، کمتر شاهد چنین پیشرفت‌هایی بوده‌ایم.

1. Cemevi
2. Gezi
3. Dikmen
4. Antakya

برای مثال، بر اساس قوانین ترکیه، حکومت موظف به حمایت و نگهداری از مساجد است. حزب عدالت و توسعه، قوانین را بسط داد تا شامل کلیساها و کنیسه‌ها نیز بشود، اما مکان عبادت علویان از این قوانین کنار گذاشته شده است. هرچند جامعه و فعالین علوی، تلاش‌ها و درخواست‌هایی مبنی بر حمایت و دادن یارانه به جمع‌خانه‌ها از سوی دولت ارائه کردند، اما حزب عدالت و توسعه، نه تنها چنین خواسته‌هایی را رد کرد، بلکه مصطفی البایرک^۱، نماینده پارلمان از حزب عدالت و توسعه، چنین یارانه‌هایی را یارانه به پرستش‌گاه‌های شیاطین خواند. رهبری حزب عدالت و توسعه نیز هیچ‌گاه احساس صمیمی به علویان بروز نداده است؛ به طوری که «رحا جامو اوغلو»^۲، روشنفکر علوی که از لیست حزب عدالت و توسعه به پارلمان راه یافته بود، در سال ۲۰۰۷ به دلیل تعصب مقامات این حزب نسبت به علویان استعفا داد (Cagaptay, 2014).

جنگ سوریه و غلظت گفتارهای اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه نسبت به دولت دمشق و اقلیت علوی حاکم بر این کشور، به تشدید بدبینی‌ها نسبت به علویان در داخل ترکیه و تعمیق شکاف و خودآگاهی سنی-علوی در سال‌های اخیر انجامیده است. حتی مناطق ایالت هاتای-اسکندرون که نیم میلیون عرب علوی ساکن هستند، در سال‌های قبل شاهد تنش‌ها و تظاهرات‌هایی بر علیه کمپ‌های اپوزیسیون و آواره‌های سنی عرب سوری، از سوی بخشی از علوی‌ها با گرایش چپ بوده است. علاوه بر این، اجتماع علوی هاتای همدلی بیشتری با بشاراسد داشته و مخالف سیاست رویارویی آنکارا با رژیم دمشق بوده‌اند و تظاهرات مختلفی نیز علیه حمایت از مخالفان سوری انجام داده‌اند (Abaza and Cagaptay, 2012). عزالدین دوغان، رئیس مهم‌ترین بنیاد علوی^۳ به المانی‌تور^۴ گفته است که «ریاست امور مذاهب ترکیه، نسخه اسلام سعودی را در آغوش گرفته است. این از مهم‌ترین مشکلات ترکیه است که دولت به شکل سیستماتیک، فرهنگ اسلامی عربی را بر مردم ترکیه تحمیل می‌کند. آن‌ها سعی می‌کنند تصویری منفی از اسلام علوی در ترکیه ایجاد کنند».

1. Mustafa Albayrak
2. Reha Camuroglu
3. Cem Foundation
4. al-monitor

دوغان با اشاره به اینکه دهه‌ها در راستای کسب آرا از سوی سیاست‌مداران، در مذهب دستکاری شده است، ابراز می‌دارد که ترکیه امروز را نمی‌توان به عنوان کشوری سکولار تعریف کرد، بلکه آنچه هست، دموکراسی سنی است. او همچنین عنوان کرده که «هرچند عقاید علوی وارد برنامه دوره‌های مذهبی شده و این واقعه بعد از سال ۱۵۱۷ تا کنون برای اولین بار رخ داده و پیشرفتی در زمینه حقوق علویان محسوب می‌شود، اما از حکومت اردوغان راضی نیستیم. ما معتقدیم تلاشی برای پاکسازی سیستماتیک مردم علوی از همه نهادهای دولت از جمله در نهادهای قضایی وجود دارد» (Daloglu, 2012). علی‌کنعان اوغلو، یکی از رهبران و رئیس یک نهاد فرهنگی علوی نیز در سال ۲۰۱۳ در خصوص تبعیض علیه علویان در مصاحبه با سایت زمان امروز^۱ ابراز داشت که شرایط برای علویان بعد از جنگ سوریه بدتر شده و تبعیض علیه آن‌ها افزایش پیدا کرده است. حکومت، علوی‌ها را با تروریست‌ها مرتبط می‌کند؛ به ویژه در اعتراضات پارک گزی. همچنین، معاون حزب عدالت و توسعه ابراز داشت که بیت‌المجمع یا همان محل عبادت علوی‌ها، پرورش‌دهنده تروریست‌ها هستند.

اوغلو معتقد است نگاه به علوی‌ها در ترکیه همیشه مثبت بوده، اما بعد از جنگ سوریه، به خاطر مواضع و سیاست‌های حزب عدالت و توسعه و استفاده مکرر اردوغان و دولت او از اصطلاح علوی برای بشار اسد، دید منفی نسبت به علویان ایجاد شده است. او بخشی از مشکل اصلی علویان را بیکاری و به حاشیه رانده شدن در سطح نهادهای دولتی در جمهوری ترکیه می‌داند و گفته است: «من به یاد نمی‌آورم که یک مقام عالی‌رتبه حکومت، علوی بوده باشد؛ حتی مقام عالی یک مدرسه را هم به علوی‌ها نداده‌اند. اینکه چرا علوی‌ها در پارک گزی بودند، به خاطر این بوده که آن‌ها فاقد کار و نان هستند». از نظر اوغلو این مشکل چیز جدیدی نیست و ریشه آن به گذشته برمی‌گردد (Dogan, 2013).

در مجموع، برآمدن اسلام‌گرایی سیاسی سنی در جامعه ترکیه و بیان آشکار گرایش‌های ایدئولوژیک از سوی حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست داخلی و خارجی، موجی از ناخشنودی علویان را در پی داشته است. مسئله بحران سوریه و رویکرد فرقه‌گرایانه دولت

ترکیه در این بحران نیز به تشدید بدبینی‌ها نسبت به جامعه علوی از یک سو و احساس نگرانی و محرومیت علویان از سوی دیگر شده است. این تحولات، امکان فعال‌تر شدن بیش از پیش شکاف علوی- سنی را افزایش داده است.

نتیجه‌گیری

تحولات چند سال اخیر ترکیه، در تاریخ این کشور بی‌سابقه بوده و باعث تشدید برخی شکاف‌های اجتماعی آن شده است. دو شکاف قومی و مذهبی (علوی و کردها) که ریشه‌های دیرینه‌ای در تاریخ ترکیه دارند و همواره نقش مهمی در صحنه سیاسی این کشور داشته‌اند، در سال‌های اخیر و در اثر سیاست‌های حزب عدالت و توسعه تشدید شده‌اند. گرایش‌های اسلام‌گرایانه (سنی‌محورانه) رهبران حزب عدالت و توسعه و اظهارات منفی آن‌ها نسبت به علویان، به ویژه بعد از تحولات مربوط به بحران سوریه، در کنار تداوم تبعیض علیه این اقلیت، ناخرسندی بیش از پیش آن‌ها را از وضعیت موجود به همراه داشته است. با توجه به تمایل حزب عدالت و توسعه برای بازتولید قدرت از راه تأکید بر اسلام‌گرایی سنی‌محور، به عنوان یکی از عناصر مهم گفتمانی سردمداران این حزب، امکان فعال‌تر شدن بیش از پیش این شکاف در آینده وجود دارد. علاوه بر این، در صورتی که سیاست‌های فرقه‌گرایانه دولت ترکیه در سیاست خارجی نسبت به منطقه و جهان اسلام تداوم یابد یا تشدید شود، این امکان به موازات آن افزایش خواهد یافت.

همچنین، رویکرد ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه که ملغمه‌ای از اسلام‌گرایی سنی‌محور و ناسیونالیسم ترکی است، نه تنها از درک ماهیت مسئله کردها عاجز بوده، بلکه راه را برای موفقیت مذاکرات صلح با نیروهای سیاسی کرد مسدود کرده است. بخشی از اظهارات اردوغان که در مقاله بدان اشاره شده، فهم تنگ‌نظرانه مقامات ارشد حزب عدالت و توسعه را از مسئله کردها نشان می‌دهد. این با درک کردها از مسئله و راه حلی که برای پایان دادن به آن جستجو می‌کنند، فاصله زیادی دارد. از طرف دیگر، بسته‌های پیشنهادی و اقدامات محدود حزب عدالت و توسعه در این زمینه، تنها محدود به برخی اقدامات جزئی و عمدتاً سمبولیک در راستای تسهیل عضویت این کشور در اتحادیه اروپا و گاهی نیز مصرف انتخاباتی داشته

است. در مجموع، به نظر می‌رسد با توجه به گرایش‌های ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه، به ویژه شخص اردوغان و گسترش درگیری و خشونت‌ها در مناطق کردنشین ترکیه طی یک سال اخیر و اعمال فشارهای وسیع بر فعالین کردی بعد از کودتای نافرجام تیرماه ۱۳۹۵، امکان حل و فصل مسئله کردی برای ترکیه در آینده نزدیک وجود ندارد یا حداقل بسیار دشوار است.

تحولات اخیر، شکاف کردی- ترکی را تعمیق و بر شدت ناخرسندی‌های کردها افزوده است. این تشدید شکاف را به راحتی می‌توان در اظهارات تند مقامات ترکیه از یک سو و رهبران پ.ک.ک و حزب دموکراتیک خلق‌ها از سوی دیگر علیه همدیگر مشاهده کرد. در صورتی که وضعیت کنونی در روابط دولت ترکیه و کردها ادامه یابد یا دولت ترکیه سخت‌گیری و فشار بر کردها را افزایش دهد، به احتمال زیاد آینده نامطمئن‌تر و شکننده‌تری پیش روی دولت ترکیه خواهد بود.

منابع

- Abaza, Khairi and Soner Cagaptay, Alawites and Alevi: Whats in a Name? October 11, 2012, **fikraforum**, <http://fikraforum.org/?p=2764#.VIU5JXYrLIU>
- Action, Urgent, Indefinite 24-Hour Curfew, Over 200,000 IN Danger, Amnesty International (2016), UA: 6/16 Index: EUR 44/3178/2016 Issue Date: 11 January.
- Andersen, Robert, and Heath, Anthony (2003). Social identities and political cleavages: the role of political context, **Journal of the Royal Statistical Society: Series A** (Statistics in Society) 166, no. 3.
- Ankara suspends more than 11,000 teachers for alleged PKK ties**, 9 September 2016, <http://rudaw.net/english/middleeast/turkey/08092016>
- Azak, Umut (2010). **Islam and Secularism in Turkey, Kemalism, Religion and the Nation State**, London: I.B.Tauris & Co Ltd.
- Bahcheli, Tozun and Noel, Sid (2011). The Justice and Development Party and the Kurdish question, in : **Nationalisms and Politics in Turkey, Political Islam, Kemalism and the Kurdish issue**, Edited by Marlies Casier and Joost Jongerden, London: Routledge Studies in Middle Eastern Politics.
- Banu, Eligur (2014), Turkey declining democracy, Current Trends IN Islamist Ideology , **Hudson Institute** ,Vol. 17.
- Barkey, Henri and Fuller, Graham E (1998). **Turkey's Kurdish Question**, Rowman & Littlefield Publishers.INC.
- Cagaptay, Soner (2006), **Islam, Secularism, and Nationalism in Modern Turkey, Who is a Turk?**, London and New York: Routledge.
- Cagaptay, Soner, **Turkey's Slow-Burning Alevi Unrest**, Al-Sharq al-Awsat
- Choe, Yonhyok (2002), Social Cleavage and Party Support, A Comparison Of Japan, South Korea and The United Kingdom, Research Reports, **Södertörns högskola**, No.5.
- Daloglu, Tulin, **Turkish Alawites Face Prejudice, Pressure by State**, 27 December 2012, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2012/al-monitor/alewives-turkey-syria.html>
- Dogan, Yonca Poyraz, **Alevi leader Kenanoğlu: Discrimination against Alevi increased in 2013**, December 22, 2013, http://www.todayszaman.com/monday-talk-alevi-leader-kenanoglu-discrimination-against-alevis-increased-in-2013_334655.html
- Entessar, Nader (1992), **Kurdish EthnoNationalism**, Boulder and London: Lynne Rienner Publishers.
- Erdoğan shifts again, from 'no Kurdish problem' to 'Kurds have problems'** March 23, 2015, Today's Zaman, http://www.todayszaman.com/national-erdogan-shifts-again-from-no-kurdish-problem-to-kurds-have-problems_376088.html
- Erk, Jan (2008). **Explaining federalism: state, society and congruence in Austria, Belgium, Canada, Germany and Switzerland**, Routledge.
- Freedom of the Press**, 2016, turkey, <https://freedomhouse.org/report/freedom-press/2016/turkey>
- Gunes, Cengiz and Welat Zeydanlioglu (2014). **The Kurdish Question in Turkey: New Perspectives on Violence, Representation and Reconciliation**, New York: Routledge. <https://freedomhouse.org/article/emerging-threats-turkey-political-trends-2016>

- Janoski, Thomas, Robert R. Alford, Alexander M. Hicks, and Mildred A. Schwartz (2005), **The handbook of political sociology: states, civil societies, and globalization**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kincaid, John (2008), Federalism: The Highest Stage of Democracy? In: Jose V. Cipurut. **Democratizations: comparisons. Confrontations and contrasts**, London: Cambridge.
- Kiri iç Kemal, **Erdoğan's victory isn't a win for Turkish democracy**, November 2, 2015, <http://www.brookings.edu/blogs/order-from-chaos/posts/2015/11/02-turkish-election-results-akp-kirisici>
- Kreyenbroek, G. Philip and Sperl, Stefan (1992), **The Kurds, A Contemporary Overview**, London and New York: Routledge.
- Lijphart, Arend (1969), "Consociational democracy." **World politics**, Vol. 21, No. 2
- Loizides, Neophytos G (2010), State ideology and the Kurds in Turkey, **Middle Eastern Studies**, 46: 4.
- Mand raç Berkay, **Turkey's PKK Conflict: The Death Toll**, 20 July 2016, <http://blog.crisisgroup.org/europe-central-asia/2016/07/20/turkey-s-pkk-conflict-the-rising-toll/>.
- March 24, 2014, <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/turkeys-slow-burning-alevi-unrest>.
- November 1 Elections Special Coverage**, hurriyet news, 2015, <http://www.hurriyetdailynews.com/reelection/results>
- Özcan, Ali Kemal (2012), **Turkey's Kurds: A Theoretical Analysis of the PKK and Abdullah Ocalan**, Routledge.
- Rex, John, and Gurharpal Singh (2003). "Multiculturalism and political integration in modern nation-states: thematic introduction, **International Journal on Multicultural Societies**, Vol.5, No. 1.
- Schenkkan, Nate, **Emerging Threats in Turkey: Political Trends in 2016**, February 3, 2016
- Shatzmiller, Maya (2005), Nationalism and minority identities in Islamic societies, McGill-Queen's Press-MQUP, Vol. 1.
- Subasi, Necdet (2010), The Alevi opening: concept, strategy and process, **Insight Turkey**, Vol. 12, No. 2.
- Turkish linguist arrested on terror charges in Özgür Gündem probe**, September 8 2016, <http://www.hurriyetdailynews.com/turkish-linguist-arrested-on-terror-charges-in-ozgur-gundem-probe.aspx?pageID=238&nID=103449&NewsCatID=341>
- Uras, Umut, **Turkey 'guilty of religious discrimination'**, Aljazeera, 4 Dec, 2014, <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2014/12/turkey-guilty-religious-discrimination-2014123105736700367.html>
- Ward, Benjamin, **The Government Response to Turkey's Coup Is an Affront to Democracy**, AUGUST 3, 2016, <https://www.hrw.org/news/2016/08/03/government-response-turkeys-coup-affront-democracy>
- Yavuz, M. Hakan (1998)
- A preamble to the Kurdish question: The politics of Kurdish Identity, **Journal of Muslim Minority Affairs**, Vol. 18, No. 1.
- Yavuz, M. Hakan (2009) **Secularism and Muslim Democracy in Turkey**, Cambridge and New York, Cambridge University Press.
- Ye en, Mesut (2007) Turkish nationalism and the Kurdish question, **Ethnic and Racial Studies**, Vol. 30 No. 1.
- Yildiz, Kerim and Mark Muller (2008) **The European Union and Turkish Accession, Human Rights and the Kurds**, London, Pluto Press.